پیشخوان

«شهید دکتر فتحی شقاقی» در آیینه تصاویر

هویت بخشی نوین به مبارزات فلسطینی

شاهد توحیدی

اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، به بازخوانی حیات نظری و عملی شهید دکتر فتحی ابراهیم شقاقی رهبر و بنیانگذار جنبش جهاد اسلامی فلسطین پرداخته است. این پژوهش از سوی کسری صادقی‌زاده، انجام شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی، به انتشار آن همت گماشته است. تارنمای ناشر در بازنمایی موضوع آن، اشارت به نکات پی آمده را از نظر دور نداشته است:

«شهید فتحی شقاقی، رهبر جنبش جهاد اسلامی فلسطین، یکی از رهبران مبارزی است که با الگو گرفتن از اندیشه‌ها و شیوه رهبری امام خمینی(ره)، به مبارزات ملت فلسطین هویت اسلامی بخشید و تنها راه نجات این کشور را، در استمرار همین روش می‌دانست. کتاب حاضر، کوششی برای شناخت سیر زندگی، مبارزات و اندیشه‌های اوست که اکنون خود می‌تواند الگویی برای جوانان مبارز برای ادامه راه آغاز شده از سوی وی باشد. او سه سال پس از شکست در سال ۱۹۴۸، در اردوگاه پناهندگان فلسطینی رفح، واقع در نوار غزه، در خانواده‌ای فقیر چون دیگر آوارگان فلسطینی، دیده به جهان گشود. پدر او کارگر متدینی بود که در عین حال امام جماعتی دهکده را نیز برعهده داشت. خانواده او از دهکده زرنوقه در نزدیکی یافا آمده بود، شهری که کهن‌ترین و زیباترین شهر فلسطین اشغالی است. شقاقی ۱۵ ساله بود که مادرش را از دست داد و تحصیلات دبیرستانی را، در مدارس منطقه غزه - که شاهد اولین فعالیت‌های سیاسی او بود- به پایان رسانید. فعالیت‌های سیاسی او پس از شکست ۱۹۶۷، بیشتر شد و به گفته خود شقاقی در یکی از

شهید دکتر فتحی شقاقی در حال ایراد سخنرانی

گفتارهای مطبوعاتی‌اش، او پیش از سال ۱۹۶۷ در مدرسه دست به فعالیت سیاسی زده و در موضوعات درس انشا در دوره راهنمایی و دبیرستان، با طرح مسائل سیاسی، توجه معلمان را به خود جلب نمود. وی در سخنرانی‌های صبحگاهی، به‌ویژه تا زمانی که جنبه ملی‌گرایی داشت، شرکت و ضمناً در تهیه روزنامه‌های دیواری در مدرسه، مشارکت می‌کرده است. شقاقی، در این باره اظهار می‌دارد: بدون شک گرایشات ناصریسم که در آن زمان به اوج خود رسیده بود، ما را تحت‌تأثیر قرار داد و من شدیداً به عبدالناصر به عنوان یک شخصیت و یک رهبر عرب، علاقه‌مند شدم. به همین علت بود که کمونیست نشدم و از سویی [به علت] برداشت‌ها و گرایش‌های سیاسی زودهنگام، مجذوب شعارهای برابری بشر شدم که کمونیست‌ها آنها را طرح می‌کردند و این شعارهای مساوات مرا بر آن داشت که در زمینه کمونیسم به تحقیق بپردازم. تا اینکه [به] کتاب حقیقت کمونیسم از سری انتشارات گزیده‌هایی برای شما - که وزارت ارشاد مصر آنها را منتشر کرد- دست یافتم. با مطالعه مقدمه این کتاب که جمال عبدالناصر آن را نوشته و شدیداً به کمونیسم حمله کرده بود، من از ادامه تحقیق و تفکر در زمینه کمونیسم منصرف شدم و فعالیت‌ها و گرایش‌های سیاسی من، منحصراً ناصریسم گردید. در سال ۱۹۶۶ و با همکاری دو نفر از دوستان و برادران بزرگ‌تر از خودم، اولین تشکیلات سیاسی خود را بنیان نهادیم که طبعاً این تشکیلات ساده زیر چتر ناصریسم بود و ما در آنجا بر اساس روش ناصر، با تحزب مبارزه می‌کردیم و برای همکلاسی‌های دبیرستانی خود زمینه‌ای فراهم نمودیم، تا آنان نیز از گرایشات حزبی دست بردارند. این گروه تشکیلاتی همچنان کوچک ماند، تا اینکه در اثر مشکلات و پیچیدگی‌های مراحل بعدی منحل و متلاشی گردید! گرچه دوستانی که در تأسیس آن شرکت داشتند، بعدها به تمایلات اسلامی روی آوردند...».

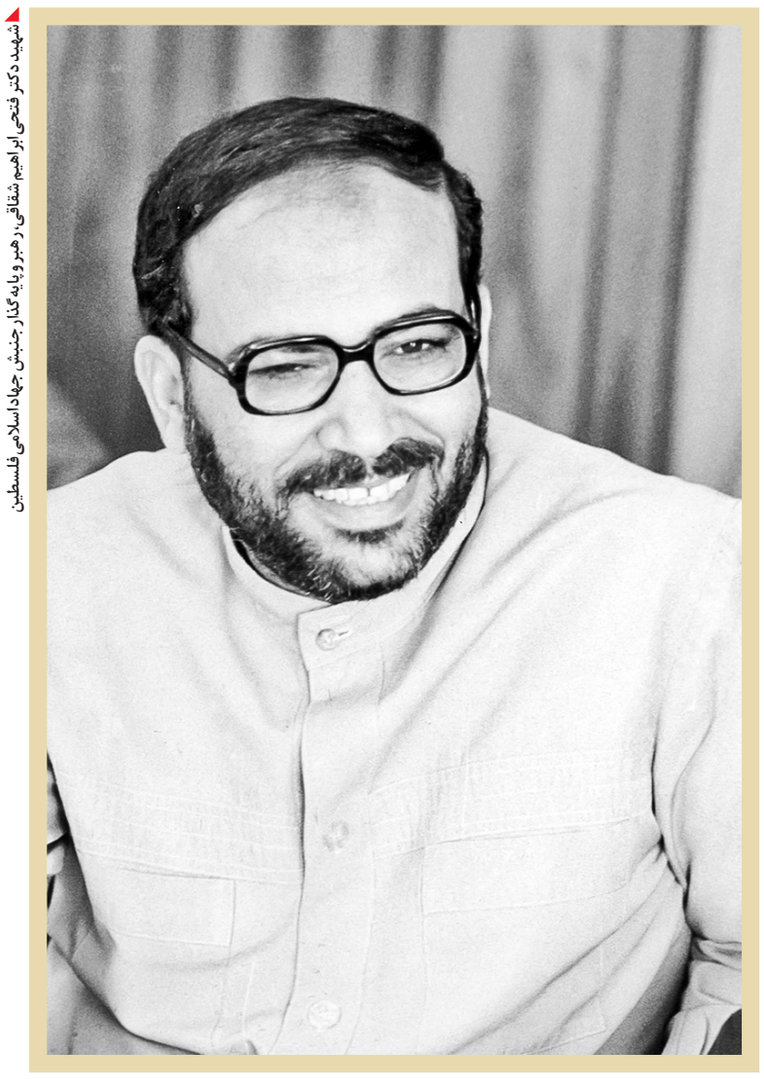

شهید دکتر فتحی ابراهیم شقاقی، رهبر و پایه‌گذار جنبش جهاد اسلامی فلسطین

شهید دکتر فتحی ابراهیم شقاقی و اتکا به اندیشه امام خمینی برای آزادی قدس

برافراشتن پرچم مصاف با صهیونیسم با الهام از الگوی ایران اسلامی

احمدرضا صدری

روزهایی که بر ما گذشت، نشان از سالروز شهادت دکتر فتحی ابراهیم شقاقی، رهبر و بنیانگذار جنبش جهاد اسلامی فلسطین داشت. اینک که با سپری شدن نزدیک به سه دهه از شهادت مظلومانه او، وقوع طوفان الاقصی تحقق آرمان فلسطینیان را بس نزدیک‌تر ساخته است، بازخوانی حیات و کارنامه وی بهنگام، به نظر می‌رسد. مقال پی‌آمده، با این رویکرد به نگارش درآمده است. امید آنکه علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

او در «رفح» دیده به جهان گشود...

در آغاز مقال، مروری اجمالی بر زندگی و کارنامه شهید دکتر فتحی شقاقی، ضروری به نظر می‌رسد. در این باره تک نگاشته‌ای بر تارنمای اندیشکده اریحا قرار دارد که حیات آن بزرگ را به ترتیب پی آمده مورد بازخوانی قرار داده است: «شهید دکتر فتحی ابراهیم شقاقی، در سال ۱۹۵۱.م، در اردوگاه آوارگان فلسطینی در رفح، در شهر غزه به دنیا آمد. پس از تحصیلات دبیرستانی و تا اواخر دهه ۱۹۶۰، در غزه ماند و به شغل آموزگاری پرداخت. او بعدها برای ادامه تحصیل به مصر رفت و در دانشگاه معروف زقازیق قاهره، در رشته پزشکی پذیرفته و به آموزش و تحصیل مشغول شد. در این دوران، با اندیشه‌های شهید حسن البنا آشنا شد و گرایشی خاص به اخوان المسلمین یافت و از اهدای کتاب خود به امام خمینی و شهید حسن البنا، روشن است که تا چه حد به این دو شخصیت نامور تاریخ معاصر علاقمند بوده است. دکتر شقاقی پس از پایان تحصیل، به فلسطین بازگشت و در بیمارستان المطلای بیت المقدس، به درمان کودکان بیمار پرداخت، اما چون به موازات آن به معالجه بیماری جامعه خود نیز مشغول بود و به فعالیت‌های اسلامی - سیاسی می‌پرداخت، دوبار و در سال‌های ۱۹۸۳ و ۱۹۸۶.م، به وسیله رژیم صهیونیستی دستگیر و زندانی شد. او سرانجام پس از پایان دوران زندان در سال ۱۹۸۸م، از سرزمین خود به لبنان تبعید شد و از آن تاریخ به بعد، مرکز فعالیت وی بیروت و سپس دمشق بود و طی این مدت، به تبیین ایدئولوژی اسلامی و تحکیم پایه‌های جهاد اسلامی می‌پرداخت. دکتر فتحی شقاقی به دستور مستقیم اسحاق رابین، نخست‌وزیر معدوم وقت، در تاریخ ۵ آبان ۱۳۷۴ و به هنگام بازگشت از سفر طرابلس - که به اصرار سرهنگ قذافی، رهبر کشور لیبی به آن جا رفته بود، از سوی موساد در جزیره مالت (واقع در جنوب ایتالیا و شمال لیبی) ترور شد...».

در جست‌وجوی طریقی نوین، برای مبارزه با اشغالگران فلسطین

تا پیش از ورود چهره‌هایی چون شهید دکتر فتحی شقاقی، به عرصه مبارزه با اشغالگران صهیونیست، کارکرد گروه‌های مبارز مسلح در این طریق، چندان رضایت بخش نمی‌نمود. او در بازخوانی تجربه پیشینیان، به این نتیجه رسید که دخالت عنصر دین و وحدت مذاهب اسلامی در این میدان، می‌تواند افق گشا و پیروزی آفرین باشد. هم از این روی به تئوریزه کردن این مهم و نیز عملی نمودن آن دست زد. جنبش جهاد اسلامی فلسطین، محصول این اندیشه به شمار می‌رود. پروفسور رادنی شکسپیر، تحلیلگر و کارشناس انگلیسی مسائل سیاسی، در این فقره معتقد است: «دکتر فتحی شقاقی، در یک خانواده آواره فلسطینی و ساکن در غزه بزرگ شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، فتحی شقاقی، با انتشار کتابی، آیت‌الله خمینی و انقلاب اسلامی ایران را ستود. در حقیقت او درک درستی از اهمیت مبانی و آموزه‌های مذهبی و دینی، در موفقیت مقاومت ملی پیدا کرد و به همین دلیل، خواهان همکاری میان مذاهب اسلامی سنی و شیعه با مسیحیان بود. او درباره ورود مذهب به مقاومت ضد اشغالگری، تئوری پردازی کرد و آن را تنها راه موفقیت دانست. مبانی مذهبی و دینی در مقاومت فلسطین، این موضوع را تضمین می‌کند که مقاومت هرگز از بین نخواهد رفت. وقتی شما سرکوب می‌شوید، به شما ظلم می‌شود و مورد شکنجه قرار می‌گیرید و نهایتاً مرگ را در یک قدمی خود می‌بینید، تنها ایمان به خدا و باور در مورد پیروزی عدالت است که می‌تواند شما را از شکست‌های روانی نجات دهد و مقاومت را در شما تقویت کند. گذشته از این نکته، از یاد نبرید، پیش از انقلاب اسلامی ایران، شرایط فلسطین تیره‌وتار بود. در جنگ سال ۱۹۶۷، اسرائیل نوارغزه، کرانه باختری، بلندی‌های جولان، شرق قدس و شبه جزیره سینا را اشغال کرد. نیروهای نظامی مصری، سوری و اردنی تحقیر شده و شکست خورند. در حدود یک میلیون نفر از نوار غزه و کرانه باختری و ۱۰۰هزار نفر از بلندی‌های جولان، آواره شدند. در جنگ سال ۱۹۷۳، مصر در بازپس گیری شبه‌جزیره سینا و سوریه نیز در بازپس گیری بلندی‌های جولان شکست خوردند. پس از پیمان کمپ دیوید در سال ۱۹۷۸، با وجود به رسمیت شناخته شدن اسرائیل، کرانه باختری، قدس و بلندی‌های جولان، تحت اشغالگری باقی ماندند. اما وقوع انقلاب اسلامی در ایران، با وجود حمایت مخفیانه رژیم‌های خودکامه در عربستان و دیگر کشورها از اسرائیل، امیدها را در مسئله فلسطین زنده کرد. تنها ایران بود که علیه اسرائیل و غرب ایستاد. امروز ایران و نظام اسلامی حاکم بر آن، مهم‌ترین حامی فلسطین است. حمایت مداوم این کشور از فلسطین، با اعلام روز جهانی قدس کاملاً نمادین شده است...».

اندیشه رهبر انقلاب اسلامی، به مثابه راه‌حلی بدیع

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، بسا جنبش‌های عربی را متوجه ظرفیتی شگرف نمود. فتحی شقاقی نیز که از مدت‌ها پیش ضرورت توجه به عنصر دین در مبارزات فلسطینی را مورد توجه قرار داده بود، از این رویداد استقبال کرد و کتاب «امام خمینی، راه‌حل اسلامی و جایگزین» را به نگارش درآورد. این اثر که بس مورد استقبال و توجه قرار گرفت، زندانی شدن وی در قاهره را به دنبال داشت. در مقالی بر تارنمای نوید شاهد، در این باره آمده است: «با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و دقیقاً در همان دوران، کتابی از سوی دکتر فتحی شقاقی، با عنوان: امام خمینی، راه‌حل اسلامی و جایگزین، نشر یافت که اولین کتاب نشر یافته در سطح جهان، درباره پیروزی انقلاب اسلامی به زبان عربی بود. به گفته محمد ابوجهاد از رهبران جنبش جهاد اسلامی، این کتاب که در یک طرف آن عکس امام خمینی قرار داشت که در نوفل لوشاتو زیر درخت سیب نشسته بود و در طرف دیگر، عکس شاه قرار داشت که سرش شکافته شده بود، در همان شب اول چاپ، تیراژ ۱۰هزار جلدی‌اش تمام شد و بار دیگر به زیر چاپ رفت! دستگاه امنیتی مصر به جرم چاپ این کتاب، حکم بازداشت دکتر شقاقی را صادر کرد و او را به زندان القلعهٔ انداخت و شکنجه نمود. همچنین وی به دلیل دیگر فعالیت‌های اسلامی- سیاسی خود، تحت پیگرد دولتمردان مصر قرار گرفت و سرانجام به جرم بنیان گذاری جنبش جهاد اسلامی، در سال ۱۹۸۰ و پس از تحمل چند ماه زندان، از خاک مصر اخراج شد و در تاریخ ۱۹۸۱ وارد سرزمین فلسطین گردید. وی غیر از مسئله فلسطین و حرکتی که در آن کشور آغاز کرد، به معرفی امام خمینی و انتقال روحیات انقلابی ملت مسلمان ایران به مردم فلسطین پرداخت. رسالت ارتباط دیگر گروه‌های مسلمان در دیگر کشورهای با جمهوری اسلامی را هم برعهده گرفت و بسیار تلاش کرد، تا بقیه گروه‌های مسلمان را به جمهوری اسلامی نزدیک کند. رسالت دیگر وی، در جنگ تحمیلی عراق، علیه ایران انجام گرفت. زمانی که بوق‌های تبلیغاتی دشمنان ما، یعنی امریکا، صهیونیزم و کشورهای غربی، در حمایت از صدام به کار گرفته شده بود تا کشورها و مردم مسلمان عرب را، از جمهوری اسلامی دور نگه‌دارند و ضمن ایجاد تفرقه، چنین قلمداد کنند که جمهوری اسلامی منافع امت عرب را به خطر انداخته است! وی در زدودن این طرز تفکر از جامعه عرب نسبت به جمهوری اسلامی، نقش بسیار اساسی داشت. با شخصیت‌های مختلف ملاقات و آنها را توجیه می‌کرد و مواضع صحیح جمهوری اسلامی را، به آنها منتقل می‌نمود...».

تعجب فتحی شقاقی، از تفاوت مواضع منتظری با امام خمینی

شهید دکتر فتحی شقاقی، در عداد رهبرانی بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی بارها به ایران سفر کرد و با امام خمینی و مسئولان نظام اسلامی دیدار نمود. او در یکی از این سفرها، متوجه تفاوت مواضع امام خمینی با قائم مقام خویش در موضوع فلسطین و از آن متعجب شد. در مقالی بر تارنمای خبرگزاری تسنیم، در این موضوع می‌خوانیم:

«بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، شخصیت‌های مبارز فلسطینی و لبنانی بسیاری از جمله یاسر عرفات، شیخ سعد التمیمی، شهید فتحی شقاقی، شهید سیدعباس موسوی و شهید سیدحسن نصرالله به ایران آمدند. متن زیر خاطره‌ای از حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسن رحیمیان، از اعضای اصلی دفتر حضرت امام(ره) و شاگرد ایشان در نجف، درباره دیدار شهید فتحی شقاقی، رهبر جنبش جهاد اسلامی فلسطین با امام خمینی است که در کتاب در سایه آفتاب نقل شده است: دکتر فتحی شقاقی، دبیرکل جهاد اسلامی فلسطین، در یکی از سفرهایش به ایران و قبل از ملاقات با امام خمینی، با آقای منتظری به عنوان قائم مقام رهبری در قم ملاقات کرد و سپس به جماران آمد و به ملاقات امام تشرف یافت. بعد از این دو ملاقات، از نگاه متفاوت و حتی متضاد مقام و قائم مقام صحبت کرد! او می‌گفت: در ملاقات با قائم مقام، توصیه بر این بود که درگیری‌ها، باید محدود به نیروهای نظامی، امنیتی و امثال اینها در رژیم صهیونیستی باشد، اما در ملاقات با امام، در حالی که ایشان بر حسب ظاهر هیچ‌گونه اطلاعی از صحبت‌های آقای منتظری نداشت و از ناحیه دکتر شقاقی هم سؤالی در این زمینه مطرح نشده بود، رهبر انقلاب در ضمن سخنانشان با قاطعیت تمام فرمودند: یهود مهاجر به فلسطین، با یهود در سایر کشورها فرق دارد. یهود در فلسطین با هر خصوصیتی اعم از مسلح و غیرمسلح، دولتی و غیردولتی، همگی غاصب و دشمن محسوب می‌شوند!... طبیعی است با قید توصیه اول (سخن منقول از منتظری)، تقریباً زمینه هرنوع عملیات جهادی منتفی می‌شد، در حالی که دشمن غاصب و اشغالگر، از ارتکاب هرگونه جنایت و کشتاری نسبت به صاحبان خانه، دریغ نداشته و ندارد. اما در نگاه روشن و الهی امام - که اسرائیل را غده سرطانی می‌داند و با قاطعیت بر نابودی این غده تأکید دارد- طبیعی است، تمام سلول‌های تشکیل دهنده این غده باید نابود شوند...».

شهادت در «مالت» آغاز جاودانگی

رهبر جهاد اسلامی، در آغاز شکوفایی نظری و عملی خویش، رو به جاودانگی نهاد. عملیات بزرگ جهاداسلامی در بیت لید، موجب شد تا نخست وزیر معدوم اسرائیل، دستور ترور وی را صادر نماید. شهادت دکتر شقاقی در «مالت»، در جهان اسلام و عرب واکنش‌هایی گسترده برانگیخت و اجتماعات و تجلیل‌های فراوانی را موجب شد. زینب امینی، پژوهشگر حوزه مقاومت، در باب بسترهای ترور ۵ آبان ۱۳۷۴، خاطرنشان ساخته است:

اسحاق رابین، نخست وزیر سابق رژیم صهیونیستی، پس از عملیات جهاد اسلامی در بیت لید که در تاریخ ۲۵ژانویه ۱۹۹۵م (۱۳۷۳/۱۲/۶ش) انجام شد و منجر به کشته شدن ۲۲اسرائیلی و زخمی شدن ۱۰۸ نفر دیگر گردید، شخصاً دستور ترور دکتر فتحی شقاقی را صادر می‌کند. شهید شقاقی از سال‌ها پیش از انجام این عملیات، تحت نظر عوامل موساد بود. اوری ساگی، رئیس اطلاعات نظامی وقت اسرائیل، نسبت به انجام عملیات ترور دکتر فتحی شقاقی در دمشق، به دلیل برانگیخته شدن خشم مردم سوریه هشدار می‌دهد و بر همین اساس، عملیات ترور وی به خارج از سوریه منتقل می‌شود. دکتر فتحی شقاقی که به ندرت از دمشق خارج می‌شد، در روزهای ابتدایی ماه اکتبر، دعوت‌نامه‌ای برای شرکت در کنفرانس رهبران سازمان‌های هدایت کننده جنگ‌های خیابانی در لیبی دریافت می‌کند. در همین موقع موساد متوجه می‌شود، موسی مراره، معروف به ابوموسی، از جنبش فتح نیز قرار است در این کنفرانس شرکت کند و تصمیم می‌گیرد بدین وسیله، از چگونگی سفر دکتر فتحی شقاقی با خبر شود. عوامل موساد، دو شیوه را برای ترور شهید شقاقی طراحی می‌کنند. در شیوه نخست پیشنهاد می‌شود، او را در جریان سفرش که از طریق مالت می‌باشد، بربایند! اما به دلیل احتمال جنجال‌های بین‌المللی، رابین با آن مخالفت می‌کند. راه دوم ترور مستقیم شقاقی در مالت است که اسحاق رابین بی‌درنگ با آن موافقت می‌کند. بدین ترتیب عوامل موساد به مالت رفته، در فرودگاه این شهر منتظر آمدنش می‌شوند، اما در هیچ کدام از سه پرواز مورد انتظار، دکتر شقاقی وارد فرودگاه مالت نمی‌شود و این امر، باعث ناامیدی عوامل موساد برای ترور او می‌شود. تا اینکه در لحظات آخر، یکی از مأموران از طریق بی‌سیم به همکارانش اطلاع می‌دهد، در آنجا یک نفر تنها روی صندلی نشسته است. سپس به فرد مورد نظر نزدیک می‌شود و این بار اطلاع می‌دهد، این فرد بسیار شبیه فتحی شقاقی است، اما جرئت نمی‌کنند دست به کاری بزنند. دکتر فتحی شقاقی، یک ساعت در فرودگاه مالت منتظر می‌ماند و سپس عازم لیبی می‌شود، بدون اینکه بداند تحت نظر عوامل موساد است. در ۲۶اکتبر برابر با ۴ آبان، شهید شقاقی به مالت باز می‌گردد. در ساعت ۱۱:۳۰ و با هدف رفتن برای خرید از مجموعه تجاری مارک ند اسپنسر، از هتل محل اقامتش خارج می‌شود. پس از آن که سه مرتبه به فروشگاه‌های مورد نظرش می‌رود و عوامل موساد پس از حصول اطمینان از هویت‌اش، او را تعقیب می‌کنند و در نهایت مقابل هتل محل اقامتش در این جزیره، دو مأمور موتور سوار با شلیک پیاپی سه تیر به مغزش، دبیر کل جهاد اسلامی را به شهادت می‌رسانند. باید یادآور شد، اسحاق رابین، چند روز پس از شهادت دکتر فتحی شقاقی، به وسیله ایگال امیر - که یک صهیونیست تندرو بود- به سزای اعمال ننگینش می‌رسد...».

میراث گران مجاهدی بزرگ، در آیینه توصیف رهبر

و سرانجام پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت شهادت دکتر فتحی شقاقی را، می‌توان توصیفی گویا و جامع از منحنی حیات فکری و مبارزاتی وی قلمداد کرد. همچنین این بیانیه، واجد پیش‌بینی‌هایی درباره بالیدن و توسعه مبارزات فلسطینی است که امروزه در برابر دیدگان جهانیان خودنمایی می‌کند:

«صحنه خونین مبارزات اسلامی فلسطین، بار دیگر با خون به ناحق ریخته یکی از فرزندان رشید و مظلوم آن سرزمین، گلگون شد و کسی که با قلبی، سرشار از ایمان و اخلاص، برای دفاع از خانه و میهن خود مجاهدت می‌کرد، به دست غاصبان خونخوار و آدمکش به شهادت رسید و صهیونیست‌های عاری از شرف و اخلاق، یک بار دیگر ثابت کردند، برای مقاصد نامشروع خود، قتل و جنایت را مباح و مشروع می‌شمرند. مجاهد مؤمن، شجاع، متفکر و مخلص، شهید دکتر فتحی شقاقی، یکی از چهره‌های درخشانی بود که فجر مبارزات اسلامی مردم فلسطین در دهه اخیر را پدید آورد و همه توان و امکان و اکنون، جان عزیز خود را، سر این جهاد مقدس گذاشت. طلوع خورشید اسلامی از افق مبارزات فلسطین که به این ملت مظلوم جان تازه‌ای بخشید، در هنگامی آغاز شد که مدعیان دروغین قضیه فلسطین، از بردن نام اسلام در آن عرصه اسلامی محض، به شدت پرهیز می‌کردند و با جدا کردن قضیه فلسطین از اسلام، دانسته و ندانسته آرمان فلسطین را به محو و نابودی می‌کشاندند. و در این هنگام بود که گروهی از جوانان پرشور، با اخلاص، مؤمن و اندیشمند و در رأس آنان شهید عزیز ما دکتر فتحی شقاقی، با الهام گرفتن از انقلاب اسلامی ایران و با دلی سرشار از عشق و ارادت به امام عظیم‌الشأن راحل، پرچم مبارزات اسلامی را برافراشتند و به‌رغم کوردلان سست‌عنصر و وابسته و به‌رغم رژیم غاصب و به‌رغم امریکا و سرسپردگانش در منطقه عربی، خونی در رگ‌های افسرده جهاد فلسطینی دمیدند و دشمن را که با ساده‌اندیشی و خوش‌خیالی، مجاهدات حق‌طلبانه را پایان یافته می‌پنداشت، زیر ضربات خود گرفتند. اکنون آن مجاهد مؤمن و مخلص، به شهادت که آرزوی همه مبارزان خالص و صادق است، نائل آمده است، ولی اینجانب با قاطعیت اعلام می‌کنم، این مرگ سرخ و افتخارآمیز، مایه اشتداد نهضت عظیم اسلامی در فلسطین خواهد شد و مظلومیت او، مظلومان فلسطینی را در مجاهدت فی‌سبیل‌الله راسخ‌تر خواهد ساخت. ملت مبارز فلسطین محق است، اگر خیانتکاران به آرمان فلسطین را چه آنان که با روسیاهی تمام خود را فلسطینی می‌شمارند و چه اعراب غیر فلسطینی، شریک جرم سران رژیم صهیونیستی در این جنایت و جنایات مشابه آن در گذشته بشمارد. بی‌شک این آخرین جرم تروریست‌های غاصب نخواهد بود، ولی آنکه در نهایت به پیروزی قاطع می‌رسد، جبهه حق ملت مسلمان، مبارز و مظلوم فلسطین خواهد بود...».

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، بسا جنبش‌های عربی را متوجه ظرفیتی شگرف نمود. فتحی شقاقی نیز که از مدت‌ها پیش، ضرورت توجه به عنصر دین در مبارزات فلسطینی را مورد توجه قرار داده بود، از این رویداد استقبال کرد و کتاب «امام خمینی، راه‌حل اسلامی و جایگزین» را به نگارش درآورد. این اثر که بس مورد استقبال و توجه قرار گرفت، زندانی شدن وی در قاهره را به دنبال داشت

۱۳۷۴. تهران، برگزاری مراسم بزرگداشت شهید دکتر فتحی شقاقی